

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

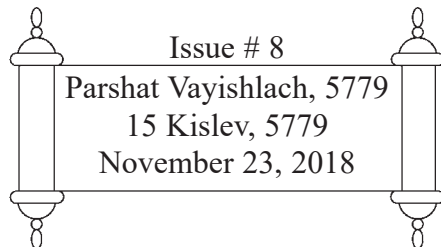
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, November 23, Light Shabbat Candles, by 4:27 p.m.

Saturday, November 24, Shabbat ends at 5:30 p.m.

(Times are for Los Angeles)

IN LOVING MEMORY OF OUR DEAR PARENTS

Mr. Naim ben Moshe ע"ה Lavi

Passed away on 17 Kislev, 5767

Mrs. Chava (Evelyn) bat David ע"ה Lavi

Passed away on 16 Tishrei - second day of Sukkot, 5775

ת. נ. צ. ב. ה.

*

DEDICATED BY THEIR CHILDREN שיחיו

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

http://www.cpycenter.org

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

http://www.torah4blind.org

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

حفظ کند. و همانطور که خداوند در مورد او می گوید "او همچون درختی است که من کاشته ام و ۲۱ ساخته دست من است" وجود او "قسمتی از خدا علوی ۲۲ است" و همانگونه که هیچ چیز نمی تواند بر خداوند غلبه کند هیچ چیز هم نمی تواند برخلاف خواسته او بر او غلبه کند. همچنین به او قول پیروزی داده شده است برای آنکه به او گفته شده است که "همه بیسرائل ها سهم و نصیبی در جهان آینده ۲۳ دارند" و سهم او از طرف خداوند مردود نخواهد شد. ۲۴

این قول همچون همه کلمات تورا مربوط به مسائل روحانی امروز ما هم میشود. این اطمینان از پیروزی نهایی اشتیاق ما را در عبادت خداوند بیشتر کرده و این اشتیاق به ما کمک می کند که بر طبیعت و دنیای مادی اطراف خود غلبه کنیم و به قول ربه قبلی لو با ویچ ۲۵ "اگر چه یک سرباز در جنگ با خطرات روبرو میشود ولی او با آواز و شادی به جنگ می رود و این شادی باعث پیروزی او میشود".

به همین علت است که ما بعد از پایان شبات می گوئیم "آی بنده من، یعقوب ترس" همانطور که در بالا گفتیم در شبات یک شخص یهودی در مرحله بیسرائل قرار دارد و بعد از شبات از این مرحله پائین آمده به درجه یعقوب یعنی به مشکلات زندگی عادی بر میگردد. در این حالت به ما گفته شده است که "ترس" و این نه فقط یک فرمان است بلکه یک منبع نیرو و قدرت و شادی است که کار را کوتاه و پاداش رابه سرعت فراهم می آورد. تا به آنجا که ما شایسته زمانی خواهیم شد که "زندگی و شبات ابدی" می باشد.

(منبع لیکوتی سیخوت جلد سوم ص ۷۹۵ الی ۷۹۹) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 795-799)

ویشلخ

در این پاراشا یعقوب آوینو، بعد از کشتی ای که با فرشته خداوند می گیرد، به او گفته می شود که نام او دیگر ایسرائل خوانده خواهد شد. با این حال می بینیم که در بسیاری موارد در تورا نام او باز هم یعقوب خوانده شده است اما در مورد اوراهام بعد از اینکه نام او اوراهام خوانده شد دیگر نام اول او ذکر نشده است. تفاوت مابین این دو مورد چیست؟ این مبحث معنای واقعی اساسی یعقوب و ایسرائل را توضیح داده و اینکه چگونه آنها دو مرحله از زندگی روحانی ما می باشند و اهمیت آنها را در زندگی روزمره ما ذکر می کند.

۱- چرا نام یعقوب باقی ماند؟

در مورد این پاسوق که می گوید "نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه بیسرائل" ۱ تلمود این ۲ سؤال را مطرح می کند که در مورد اوراهام در تورا آمده است که - "نام تو دیگر اورام خوانده نشود" ۳ و اگر کسی نام اوراهام را بخواند او این فرمان تورا را زیر پا گذاشته است! اگر اینطور است پس بنابراین همین موضوع در مورد یعقوب هم صادق می باشد چرا که در مورد او گفته شده است که "نام تو یعقوب خوانده نشود". و تلمود از این موضوع نتیجه می گیرد که نام یعقوب با نام اورام تفاوت دارد به این علت که از زمانی که خداوند نام او را اوراهام اعلام کرد دیگر به هیچ عنوان در تورا نام او اورام خوانده نشده ولی در مورد یعقوب حتی بعد از اینکه نام او بیسرائل خوانده شد در تورا باز هم به نام یعقوب اشاره شده است.

چرا نام یعقوب باقی می ماند؟

در فلسفه حاسیدوت ۴ توضیحی در این مورد وجود دارد مبنی بر اینکه اسامی یعقوب و بیسرائل سمبل دو نوع و دو مرحله از عبادت خداوند می باشند که هر دو آنها در شرایط مختلف زندگی مذهبی هر فرد یهودی لازم هستند. نام بیسرائل اشاره به مقام های بالای معنوی می کند اما این نوع عبادت کافی نیست و لزوم عبادتی را که نام یعقوب سمبل آن است را منتفی نمی کند.

۲۱- یشعیا ۲۱-۶۰ ۲۲- ایوب ۳۱،۲ ۲۳- کتاب دوم شموئل ۱۴-۱۴ ۲۴- سهترین فصل ۱۱

۲۵- سفر همعماریم ۵۷۱۰ ص ۱۹۱

۱- برشیت ۲۹-۳۲ ۲- براخوب ۳ الف ۳- برشیت ۵-۱۷

۴- لیکوتی تورا بر בלّאָق سفر חמ"ע مار"ם בידیش ص ۱۲۲

۲- معنای عمیق اسامی یعقوب و یسرائیل

این دو اسم با هم از نظر معنا دارای این تفاوت ها هستند : نام یعقوب اشاره به گرفتن براخا از ییسیحاق می کند. یعقوب در گرفتن براخایی که برای عساو آماده شده بود زیرکی خاصی بکار برد. ^۵ نام یسرائیل برعکس ، اشاره به گرفتن براخا از طریق اعمال شایسته و برجسته و بصورت آشکار می کند. ^۶ (کلمه "سرا" که شکل عبری کلمه یسرائیل می باشد از نظر زبان شناسی با آن هم ریشه است)

به هر گونه که تورا را تفسیر کنیم به هر حال معنای کلمه به کلمه آن به قوت خود باقی است براخای ییسیحاق به مواهب دنیای مادی اشاره می کند. "بدهد به تو خداوند از شبنم آسمان و از روغن زمین" ^۷ "یعقوب و ریوفا برای گرفتن این براخا متوسل به فداکاری و زیرکی خاصی شدند. یعقوب برای گرفتن این براخا می بایست لباس نیمرود را بپوشد" ^۸ "کسی که تمامی دنیا را به شورش واداشته بود" ^۹ . و بوسیله همین براخا بود که او می توانست عناصر این دنیای مادی را مقدس کرده و جرقه های پنهان تقدس را از آن رها نماید.

و این عمل یعقوب برحسب این گفته حخامیم که "اعمال پدران علامتی هستند برای فرزندان" ^{۱۰} بطور ضمنی این مطلب را به ما می رساند که ما نیز می بایست در برخوردمان با دنیای مادی با زیرکی رفتار کنیم . و انسان زیرک کسی است که اهدافش را آشکار نمی کند. اگر چه بنظر می آید که همان راه رقیبانش را طی می کند اما در زمان حساس و لازم آنچه را که خود در سر دارد را عملی می کند. شخص یهودی نیز در رابطه اش با دنیای مادی بنظر می آید که بوسیله آن احاطه شده است . او می خورد ، می نوشد، معامله می کند ولی همه این ها را فقط برای خدا و بخاطر خدا انجام میدهد اهداف او مادی نیستند. او لباس عساو را می پوشد اما هدف اصلی او پرده برداشتن و ارتقاء دادن جرقه های مقدسی است که در دنیای مادی وجود دارد.

اما طریق یسرائیل برای گرفتن براخای شبنم آسمان و روغن زمین طریق دیگریست. او برخلاف یعقوب که آنرا با زیرکی گرفت ، بوسیله اعمال شایسته اش و بصورت آشکار آنرا دریافت می کند. او در رابطه اش با جهان احتیاجی به پنهان کردن اهداف خود در عبادت خداوند ندارد. او

درگیری و برخورد با غرایز شخصی وجود دارد یعنی زندگی با کشمکش همراه است و غرایز نفسانی به صورت جزء به جزء از بین می رود. اما در مرحله یسرائیل زمانی که این کشتن به مرحله کامل خود رسیده است زندگی انسان به مرحله لذت رهائی و صلح و صفای تازه ای می رسد.

۵- فرد صدیق و فرد متوسط الحال

این دو مرحله در عبادت انسان با دو مرحله از تکامل روح انسان مشابهت دارد کلمه یعقوب از ترکیب دو حرف "یود" به معنای خداوند و "عیکو" به معنای پاشنه پا درست شده است و میتوان از آن این نتیجه را گرفت که در این حالت فقط پائین ترین درجات روح انسانی (پاشنه پا) وجود خداوند را احساس کرده و پنهان شدن قدوسی را که می بایست آشکار بشود را امکان پذیر می کند . از طرف دیگر کلمه یسرائیل از همان حروفی درست شده است که کلمه "لی روش" به معنای (سر از آن من است) درست شده است . در این مرحله تمامی روح انسان تا آخرین درجه بوسیله حضور خداوند پر شده و دیگر هیچ چیز پنهان نبوده و هیچگونه کشمکشی نیز وجود ندارد.

به طور کلی کلمه یسرائیل اشاره به شخص صدیق (مرحله کمال صداقت انسانی) و یعقوب به شخص متوسط الحال می کند (مرحله متوسطی که هر انسانی می تواند به آن برسد) ^{۲۰} به عبارت دیگر یعقوب سمبل عبادت روزهای هفته و یسرائیل سمبل عبادت در روز شبات می باشد در هر دو مرحله یعقوب و یسرائیل هنوز اثرات و امکانات مرحله دیگر نیز وجود دارد و این مطلب از این حقیقت حاصل می شود که حتی یعقوب بعد از آنکه نامش هم عوض شد هنوز گاه بگاه یعقوب خوانده شده است و این به معنای آن است که در وجود خود یعقوب و در واقع در روح هر فرد یسرائیل یعقوب به عنوان یک عنصر لازم در عبادت خداوند همواره باقی است.

۶- معنای کلمه یعقوب

همانگونه که قبلاً گفتیم از این حقیقت که مرحله یعقوب شامل یک تلاش و کشمکش دائمی برغلبه بر گناه است اینگونه نتیجه می شود که فرد یهودی این قدرت را دارد که همواره با خواسته های مخالف درگیر شده بر آنها پیروز شود. و خودش را بدور از گناه

۵- راشی در برشیت ۳۲-۲۹ ۶- همان منبع ۷- برشیت ۲۸-۲۷
۸- پیرکی دربی البعز فصل ۲۴ ۹- ابروین ۵۳ الف راشی برشیت ۸-۱۰ ۱۰- برای توضیح بیشتر رجوع شود به صفحه ۱۵ همین کتاب

۳- تلاش و کوشش

این تفاوت اساسی با توضیحی که در لیکوتی^{۱۵} تورا در مورد این پاسوق "اودر یعقوب گناهی ندیده است و همچنین در بیسرائل رنج و سختی"^{۱۶}، تطبیق می کند. در مرحله و درجه یعقوب، شخص یهودی دارای هیچگونه گناهی نیست. ولی او از آنجا که می بایست برگناه فائق بشود هنوز در رنج و سختی است. آزادی او از گناه فقط بوسیله رنج و زحمت حاصل می شود. و به همین علت است که او "یعقوب بنده"^{۱۷} من "عودی" خوانده شده است. در زبان عبری کلمه عودا به معنای عبادت بطور ضمنی اشاره به رنج و زحمت زیاد برای منزه کردن طبیعت فیزیکی و ارتقاء روح حیوانی می کند. او گناه نمی کند ولی هنوز تمایل برای انجام گناه را در وجود خود دارد. تمایلی که باید بر آن پیروز بشود. اما در مرحله و درجه بیسرائل رنج و سختی وجود ندارد او بر تمامی عواملی که حضور خداوند را پنهان می کنند پیروز شده و تمایلات ناخوشایندیش را سرکوب می کند. در مرحله بیسرائل دیگر نیازی نیست که او با نیروهای مخالف حضور خداوند درگیر بشود. پیشرفت او تماما در قلمرو تقدس می باشد.

۴- پیروزی

در مورد سمخ صدق سومین ربه لوباویچ، داستانی وجود دارد که بوسیله ربای قبلی لوباویچ گفته شده است. می گویند یک روز در میان جمع حاسیدییم او به روی میز پریده و با هیجان فریاد میزند که "چه تفاوتی است مابین آنچه که تماما کشته شده است و آنچه که جزء جزء کشته شده است؟" این مطلب اشاره ای است به گفته ای از تلمود^{۱۸} که "کشتن جزیی از هر چیز همچون کشتن همه آن چیز است". سمخ صدق به این هلاخایک معنای حاسیدی می دهد و از آن در مورد کشتن غریزه های بد انسانی استفاده می کند. به این معنا که حتی جزیی از کشتن هم همچون کشتن است. بشرط آنکه ما لا اقل قسمتی از آنرا بکشیم. و بعد از مدتی که در بحث و رقص می گذرد او ادامه میدهد که "در لحظه ای که انسان به نقطه کشتن رسیده است در آن لحظه زندگی انسان وارد مرحله و شخصیت تازه ای می شود. (و این همان مرحله ای که داود پادشاه در تهیلیم در مورد آن می گوید قلبم در وجودم از بین می رود)."^{۱۹}

این دو گفته سمخ صدق اشاره به دو مرحله یعقوب و بیسرائل می کند. در مرحله یعقوب هنوز

ترسی احساس نمی کند و جهان بر او فشاری وارد نمی آورد که او را متوقف کند و دنیا تقدس ذاتی اش را از او پنهان نمی کند.

این تفاوت در تفاوت مابین غذایی که در شبات خورده می شود و غذایی که در روزهای معمولی خورده میشود نیز وجود دارد. هدف خوردن غذا در روزهای معمولی هفته ارضاء جسمی و روحانی انسان است. و این تفاوت و ناهماهنگی مابین ظهور خارجی خوردن غذایی که جسم را سیر می کند و منظور روحانی و هدف روحانی خوردن این غذا به نوعی زیرکی بحساب می آید. اما غذا خوردن در روز شبات به خودی خود انجام یک میصواست در این حالت ماده تقدس خودش را در این غذا آشکار می کند.

با توجه به مطالب بالا ما می توانیم به معنای پاسوق "دیگر نام تو یعقوب گفته نشود" اشاره به بیسرائل چرا که تو با فرشته خداوند (الوکیم) و با مردم مبارزه کردی و پیروز شدی."^{۱۱}

بی ببریم، کلمه "الوکیم" در این پاسوق به معنای فرشتگان است و اشاره به هفتاد شاهزاده آسمانی می کند که از طریق آنها موهبت های الهی که باعث^{۱۲} بقاء ماده میشود جریان یافته و به این وسیله مادیات و امور فیزیکی حضور خداوند را همچون دیواری پنهان می کنند.^{۱۳}

کلمه مردم اشاره به موضوع مشکل تری می کند. برای آنکه این مردم هستند که می توانند همچون دیواری مانع شوند که شخص یهودی خواسته های خداوند را انجام دهد. و غلبه بر این مطلب موضوعی مشکل تر و سخت تری می باشد. به همین علت اولین فصل کتاب شولحان آروخ به ما هشدار میدهد که از مردمانی که شما را مسخره می کنند ناراحت نشوید.

و این موضوع اساسی، تمامی عبادت یک فرد یهودی را در بر می گیرد. شکستن دیوارهایی که حضور خداوند را پنهان می کنند و مانع از انجام خواسته خداوند می شوند.

مقابله با فرشتگان و با مردم که به ترتیب مانع از آشکار شدن حضور الهی می شوند و غالب شدن بر آنها تا آنجا که آنها دیگر مانع و دیواری به حساب نیایند و راضی به دادن برکت به او بشوند در واقع بزرگی و عظمت بیسرائل را به ما نشان میدهد. او نه تنها در مبارزه اش با فرشته پیروز شد (فرشته محافظ عسار) بلکه خود فرشته او را برکت کرد و این پیروزیست که در امثال سلیمان در مورد آن می گوید "حتی دشمنانش نیز با او در صلح و صفا بسر میبرند."^{۱۴}